

انیمیشن‌های آن‌ها روح من ۵۶ ساله را جذب می‌کند. در حالی که ما این همه انیماتور درجه یک در ایران داریم. فضا هم باید باز باشد و به سازنده‌ها زیاد گیر ندهیم.

**در سال‌های اخیر باز یگری برای چند اثر عموپورنگ را در تلویزیون تجربه کردید که جملگی موفق بودند و حتی از خیلی سریال‌های معمول تلویزیون در ساعات اصلی هم پر بیننده‌تر بودند. در کار عموپورنگ و گرو هوش چه می‌بینید که این‌طور موفق‌اند؟**

شما «ساعت خوش» را دیده‌اید؟ نه، به سن من نمی‌خورد.

در «ساعت خوش» گروه جوانی کار می‌کردند که همه دانشجوی رشته‌های هنری بودند؛ اغلب بازیگری یا کارگردانی. من، رادش و... یعنی کسی از وسط خیابان به صحنه پیامده بود و همه تحصیلات داشتند. این گروه مثل انگشتان یک دست همدل و همگون بود و وقتی هر کس طرحی می‌داد، طرح بین این ۲۰-۱۰ نفر شور می‌شد و نقاط قوت و ضعف آن درمی‌آمد. مشابه همین را آقایان درویشعلی پور نویسنده و کارگردان با بازیگرهای خوب که اکثراً تئاتری‌اند، اجرا می‌کنند. وقتی محمد درویشعلی پور متن را می‌آورد، روخوانی می‌کردیم و بین ۲۰ تا ۴۰ دقیقه در باره متنی که قرار بود آن روز بازی کنیم، ششور می‌کردیم. نقاط ضعف را کنار می‌گذاشتیم و به جای آن بداهه می‌گذاشتیم. آقای درویشعلی پور اوکی می‌داد و برای اجرا می‌رفتیم. همه ما هم آشنایی کامل با کودک داشتیم و یک امتیاز بزرگ داستان، این بود. تهیه‌کننده هم پای کار بود و نمی‌گفت سریع بگیر که وقت نداریم. مثلاً یک وقت من می‌گفتم احمد جان امروز حالم خوب نیست و نمی‌توانم. می‌گفت خسته بناشی و برو خانه. نه بازیگر، بلکه هیچ‌کس نمی‌تواند ۲۴ ساعته خوب باشد. وقتی حالم خوب نباشد، چطور می‌توانم خوب کار کنم؟ بعضی کارها این‌طور نیست و می‌گویند از صبح لقمه خوب بخور، چون زمستان است و روز کوتاه. پس تا ساعت ۳ یا ۴ بعد از ظهر کار می‌کنیم و بعد فرصت داریم ناهار بخوریم. این کار خودش کم‌سدی است! در کار عموپورنگ این‌طوری نبود و تا جایی که انرژی داشتیم، تصویر می‌گرفتیم. بین من، عموپورنگ و دیگران هیچ فرقی نبود. یک وقت عده‌ای پیدا شدند که می‌گفتند بچه‌های عموپورنگ سر صحنه می‌رقصند.

**بله، یادم هست. خصوصاً به حرکات موزون مورچه‌ها انتقاد شد. این کوتاه‌فکری است. اگر برای بچه ۷ ساله، این کارها را نکنی، جذب نمی‌شود. با به قول آن‌ها رقص و حرکات موزون مورچه‌ها، بچه را جذب می‌کردیم و بعد بهش درس می‌دادیم. این قانون هنر است.**



**این کوتاه‌فکری است. اگر برای بچه ۷ ساله، این کارها را نکنی، جذب نمی‌شود. با به قول آن‌ها رقص و حرکات موزون مورچه‌ها، بچه را جذب می‌کردیم و بعد بهش درس می‌دادیم. این قانون هنر است.**

**آن بودید. این تجربه چطور بود؟**

من قبلاً کار انیمیشن نکرده بودم، اما الان خیلی دوست دارم که باز هم کار کنم، چون کلاً عاشق انیمیشن هستم. اگر بگویند بیا لباس مخصوص تنت کن و در انیمیشن بازی کن، بلافاصله می‌روم و اصلاً به دستمزدش هم کاری ندارم. شاید باورتان نشود، ولی هر انیمیشنی که بگویند، با بچه‌هایم دیده‌ام. من عاشق این هستم که صداوسیما و سینما ۱۰ فیلم انیمیشن کودک داشته باشد و ۲ سینمایی!

**ولی کار شما کساد می‌شود!**

اشکالی ندارد. نگران نباشید. با وضعیت امروز سینما، اصلاً ۳-۲ سال دیگر بازیگرها خانه‌نشین می‌شوند! (با خنده) حداقل صدپیشگی انیمیشن انجام بدهیم! انیمیشن بچه شما را تربیت می‌کند. من ۳ تا طرح فیلم سینمایی انیمیشن نوشتم و می‌خواهم بدهم به نویسنده‌ها که روی آن‌ها کار کنند. انیمیشن فوق‌العاده خوب است، اما این را هم بگویم که اگر در انیمیشن هم سمت این برویم که همه چیز آن تربیتی شود، آن وقت فقط یک بال داریم. با یک بال نمی‌شود پرواز کرد. اگر در انیمیشن هم خوب و بد را کنار هم بگذاریم، خود بچه انتخاب می‌کند که خوب باشد یا بد. اگر شخصیت بد را شیرین کنی، همه آن را دوست دارند، ولی وقتی می‌بینند آن بوده که تمام بدبختی‌ها را برای بچه خوب به وجود آورده، از بد متنفر می‌شوند. نظر شخصی من این است که در هر فیلم باید روانشناس داشته باشیم و حتی قبل از ساخت فیلم، استوری‌بورد بکشیم و بدانیم چه چیزی می‌سازیم. آن وقت است که می‌دانیم به درد چه رده سنی می‌خورد. در حالی که الان این‌طور نیست و بچه‌های کشورمان تا نیمه‌شب آثاری می‌بینند که مناسب سن آن‌ها نیست. در حالی که ما انیمیشن‌های خیلی کمی داریم. در دنیا متفاوت است و

نمی‌گویم این‌طور بسازیم، ولی باید در انتها نیروی مثبت موفق شود. از «باب حلقه‌ها» مثال می‌زنم که در جنگ بین دو گروه آن، نور بر تاریکی پیروز می‌شود. طوری است که می‌پذیری نور پیروز شد. در مقابل ما آن قدر در این زمینه، در تلویزیون اسراف می‌کنیم که خراب می‌شود. همچنین چون می‌خواهیم اثر طولانی‌تر شود، به آن آب می‌بندیم، چرا بعضی از سریال‌ها در ذهن همه می‌ماند؟ چرا فصل دوم سریال‌ها ضعیف می‌شود و فصل سوم همه را دلزده می‌کند؟ وقتی سریال خوب باشد، سری دوم باید باید به مراتب قوی‌تر باشد، یعنی باید نویسنده ۱۰ برابر هم از نظر مالی و هم از نظر نیروی انسانی و ایده‌های جدید تقویت شود. این کار را بکنید و ببینید مخاطب تلویزیون بیشتر می‌شود یا نمی‌شود. ببخشید، اما ما الان سریال‌های قدیم را تماشا می‌کنیم. امیدوارم عزیزی که در رأس تلویزیون هستند، از رویا بیدار شوند و بدانند صنعت تصویر در دنیا عجیب و غریب است و سرعت سریال‌های دنیا این قدر بالاست که اجازه نمی‌دهد سراغ تلویزیون خودمان برویم! چرا؟ بودجه را به تهیه‌کننده کم می‌دهند. ما سر سریال می‌رویم و دستمزدمان را طلب می‌کنیم، اما می‌گویند ببخشید هنوز نداده‌اند. به بازیگر چه ربطی دارد؟ در سینما این‌طور نیست، می‌دانیم کار که تمام شد، باید پولت را گرفته باشی و می‌گیری. من با تمام این سختی‌ها، می‌گویم بچه‌ای که در خانه نشسته، شاید با این گرانی‌ها بودجه نداشته باشد که به سینما برود. حداقل وظیفه من است که در تلویزیون طوری بازی کنم که بچه‌ها شاید و بزرگترها هم راضی شوند. وظیفه من به عنوان بازیگر، این است که برای یک یا ۲ ساعت ذهنش را آزاد کنم.

**امسال انیمیشن «پسر دلفینی» اکران شد که شما از صداپیشگان**

